

کلمات و معنی دروس ۱ تا ۶ کتاب قرآن نهم ، ترم اول

جلسه اول	جلسه دوم
<p>شَرَعَ : تشریح کرد، مقرر کرد وَصَى : سفارش کرد، وصیت کرد أَوْحَيْنَا : وحی کردیم وَصَّيْنَا : سفارش کردیم، وصیت کردیم لَا تَتَفَرَّقُوا : متفرق نشوید، پراکنده نشوید</p>	<p>سَأَلَتْ : پرسیدی از هُنَّ : آنها، ایشان مَهْد : محل آرامش لَعَلَّ : تا ، شاید</p>
<p>مُبَارَك، مُبَارَكَة : مبارك، با برکت مُنْذِر : هشدار دهنده، بیم دهنده عِنْد : نزد مُرْسِل : ارسال کننده، فرستنده بَيْن : میان، بین يُحْيِي : زنده می کند يُمِيت : می میراند أَوْلِيَّ : پیشین، پیشینیان مَوْقِنِينَ : اهل یقین</p>	<p>بَصَائِر : بصیرت ها، بینش ها سَيِّئَات : کارهای بد، بدی ها، جمع سَيِّئَة سَوَاء : یکسان، مساوی مَحْيَا : زندگی مَمَات : مرگ سَاء : چه بد است يَحْكُمُونَ : حکم می کنند، قضاوت می کنند تَسْتَوِي : مساوی است</p>
<p>أَجَل : سرآمد، مدت مُسَمَّى : مشخص، معین خَوْف : ترس يَحْرُزُونَ : اندوهِگین می شوند، غمگین می شوند أَصْحَاب : اهل، یاران خَالِدِينَ : جاودان جَزَاء : پاداش كَانُوا يَعْمَلُونَ : انجام می دادند، عمل می کردند</p>	<p>صَدَّوْا : مانع شدند أَصْلًا : محو و نابود کرد، گمراه کرد أَعْمَال : اعمال، کارها نَزَّلَ : نازل شد اتَّبِعُوا : تبعیت کردند، پیروی کردند أَنْزَلَ : نازل شد</p>
<p>سَكِينَة : آرامش جُنُود : لشکریان، جمع جُنْد يُدْخِل : وارد می کند تَجْرِي : روان است تَحْت : زیر أَنْهَار : رودها فُوز : موفقیت، رستگاری عَظِيم : بزرگ</p>	<p>إِخْوَة : برادران أَصْلِحُوا : اصلاح کنید تُرْخَمُونَ : مورد رحمت قرار می گیرید لَا يَسْخَر : نباید مسخره کند عَسَى : شاید يَكُونُونَ، يَكُونُوا : می باشند، باشند نِسَاء : زنان</p>
<p>كَانُوا : بودند أَسْحَار : سحرها، جمع سَحَر يَسْتَغْفِرُونَ : استغفار می کنند، آمرزش می خواهند أَمْوَال : ثروت، جمع مال سَائِل : نیازمند، درخواست کننده مَحْرُوم : محروم، نیازمند</p>	<p>يَسْتَرْنَا : آسان کردیم ذِكْر : پند، یاد ءال : آل، خاندان مُدْكِر : پندگیرنده نُذِر : هشدارها، هشداردهندگان أَخَذْنَا : مجازات کردیم، گرفتیم</p>
<p>عَلَّمَ : یاد داد، آموخت بَيَان : سخن، سخن گفتن نَجْم : علف، گیاه بدون ساقه يَسْجُد : سجده می کند رَفَعَ : برافراشت وَضَعَ : قرارداد، نهاد مِيزَان : ترازو، معیار لَا تَطْفُوا : طغیان نکنید، از حد نگذرید</p>	<p>رَأَيْتُمْ : دیدید، دقت کردید تَزْرَعُونَ : می رویانید، زراعت می کنید زَارِع : کشاورز، رویاننده نَشَاءُ : می خواهیم تَشْرَبُونَ : می آشامید، می نوشید تَشْكُرُونَ : شکر می کنید، سپاسگزاری می کنید</p>